
Investigation of Iranian and Islamic architecture with the aim of returning to identity

Shagaig Faryad ^{1*}, Fateme Ghasemi ²

¹. Department of Architecture, Ferdous Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

². Bachelor of Architectural Engineering, Ferdous Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

Received Date: 12 June 2023 **Accepted Date:** 12 June 2023

Abstract

Background and Aim: Iranian-Islamic identity and customs express the cultural characteristics and characteristics of this border and environment. A topic that should appear in all aspects of life, especially in the field of architecture and urban planning. Achieving architecture with identity is a valuable and important issue in contemporary Iranian architecture. Because in the past, Iranian and Islamic architecture was one of the most influential architectural styles in the world; By using their intelligence and ingenuity and ultimately artistry, according to the geographical, climatic and cultural conditions of each region, Iranian architects developed these architectural elements and tried to establish the comfort of the people. This article seeks to create a suitable intellectual framework for this debate in the field of architecture.

Methods: The research method used in this research is practical in terms of type and its goals, and in terms of research strategy, based on it, the descriptive-analytical method was used, and the library method was used to collect information and data. In order to analyze the theories, a logical argument has been made for the documentation of the texts, and in this method, the issues of qualitative and conceptual strategy are tried to be disseminated in this research.

Findings and Conclusion: The result of the research shows that if the foundations and ways of manifesting the principles and elements of Iranian-Islamic architecture are paid attention to by architects, it can also meet the needs of contemporary people.

Keywords: identity, Iranian and Islamic architecture, culture, urban space.

* Corresponding Author: Fatemeghaseme80@gmail.com

Cite this article: Faryad, S.H., Ghasemi, F. (2023). Investigation of Iranian and Islamic architecture with the aim of returning to identity. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 4(1), 49-58.

بررسی معماری ایرانی و اسلامی با هدف بازگشت به هویت

شقایق فریاد^۱، فاطمه قاسمی^{۲*}

۱. گروه معماری، مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی مهندسی معماری، مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰

چکیده

زمینه و هدف: هویت و رسوم ایرانی-اسلامی بیانگر خصوصیات فرهنگی و مشخصات این مرز و بوم است. موضوعی که باید در تمامی وجه‌های زندگی، به خصوص در عرصه معماری و شهرسازی پدیدار گردد. دستیابی به معماری با هویت، موضوعی ارزشمند و پُراهمیت در معماری معاصر ایران است. چرا که در گذشته معماری ایرانی و اسلامی یکی از تأثیرگذارترین سبک‌های معماری در جهان بود؛ معماران ایرانی با به کار گرفتن هوش و ذکاوت خود و در نهایت هنرمندی، با توجه به شرایط جغرافیایی، آب و هوایی و فرهنگی هر منطقه، این عناصر معماری را توسعه می‌دادند و در جهت برقراری آسایش مردم می‌کوشیدند. این مقاله به دنبال ایجاد چارچوب فکری مناسبی برای این بحث در زمینه معماری می‌باشد.

روش بررسی: روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش با توجه به حیث نوع به اهداف آن کاربردی می‌باشد و از حیث راهبرد تحقیقی با توجه بر مبنای آن از روش توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده و به منظور گردآوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. جهت تحلیل نظریه‌ها از استدلال منطقی برای مستندات متون صورت گردیده که در این روش تلاش می‌شود مباحث راهبرد کیفی و مفهومی در این پژوهش تسری داده شود.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که اگر مبانی و راه‌های تجلی اصول و عناصر معماری ایرانی-اسلامی، مورد توجه معماران قرار گیرد، می‌تواند پاسخگوی نیازهای انسان معاصر نیز باشد.

کلید واژه‌ها: هویت، معماری ایرانی و اسلامی، فرهنگ، فضای شهری.

* نویسنده مسئول: Fatemeghaseme80@gmail.com

ارجاع به این مقاله: فریاد، شقایق؛ قاسمی، فاطمه. (۱۴۰۲). بررسی معماری ایرانی و اسلامی با هدف بازگشت به هویت، فصلنامه مطالعات توسعه‌یادار شهری و منطقه‌ای، ۳(۴)، ۵۸-۴۹.

مقدمه و بیان مسأله

در معماری به رغم تفاوت‌های اقلیمی و سرزمینی که در شکل آن تأثیر فراوانی گذاشته، از کاخ‌های ساسانی تا اموی، از مدارس عثمانی تا سلجوقی و کاروانسراهای عباسی و حتی در جزئیات معماری از نقش یک مقرنس تا رنگ شیشه‌ی آرسی و کوبه‌ی در، واجد یک ویژگی است که می‌توان آن را حال و هوا نامید. آنچه از جنس آفتاب‌محل، خاک و نم زمین مکان‌اش، در بستر زمان شکل گرفته است. این ویژگی همان چیزی است که در خیابان‌های لس آنجلس، کوالالمپور و عربستان و ... به شما می‌گوید کجایید، و رای آن که رنگ مو و پوست و چشم آدم‌ها گویای این تفاوت باشد. این ویژگی که بخش ذاتی چستی و کیستی محل می‌باشد، جایگاه معماری را در بیان هویت جامعه امروزه به عنوان «معماری به مثابه هویت» تا آنجا می‌رساند که یکی از استعاره‌های اصلی بحث هویت مطرح شده است (ابل، ۱۳۸۷: ۲۶۵).

پرسش از هویت در کشور ما به مدت چهار دهه ذهن مردم، مدیران، هنرمندان و معماران را درگیر کرده است. این پرسش معمولاً در بین مردمان کشورهای مطرح می‌شود که دارای پیشینه فرهنگی و تمدنی برجسته در گذشته بوده‌اند، ولی امروز احساس می‌کنند از کاروان تمدن جهانی عقب مانده و بیشتر مصرف‌کننده محصولات دیگر تمدن‌ها شده‌اند. پرسش از هویت به دلایل متعددی که نبود چارچوب‌های فکری مناسب، نداشتن تضمین‌های اجرایی و وجود دستگاه‌ها و عوامل ذینفع و ذینفوذ متعدد از آن جمله‌اند، هیچگاه به کارکردهای عملی و راهکارهای عینی دست نیافته است. از طرفی بلا تکلیفی در حوزه‌ی اندیشه، در ارتباط با مسئله هویت منجر به سردرگمی در هویت معماری نیز شده است. این مقاله به دنبال ایجاد چارچوب فکری مناسبی برای این بحث در زمینه معماری می‌باشد. امروزه تعبیر مختلفی در مورد هویت معماری، وابسته به دیدگاه‌های متفاوت انسان مؤلف و بهره‌بردار از آن وجود دارد از آنجایی که انسان، زمان و مکان یک هستی را رقم می‌زنند (پرتوی، ۱۳۸۲). لذا هویتشان در هم آمیخته می‌گردد. این مقاله بدنال پاسخی برای این پرسش که مؤلفه‌های تأثیرگذار در بحث هویت در معماری ایرانی و اسلامی چه و چگونه می‌باشند؟ است.

پیشینه پژوهش

مطالعات فراوانی در زمینه هویت مکان انجام گرفته است که به نقش کالبد مکان در این باره تکیه دارند. این دسته از مطالعات در پی پاسخگویی به این پرسش هستند که کدام نوع از مکان‌ها برای مردم اهمیت دارند و دلیل این احساس چیست. بهزادفر معتقد است برای شناخت هویت یک شهر باید مؤلفه‌های سازنده هویت شهر را به دو بُعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی تقسیم می‌کند. این دو بُعد می‌تواند از سه محیط طبیعی، مصنوعی و انسانی از همدیگر تفکیک گردد (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۵۵).

اگر بخواهیم در بخش پیشینه موضوع به پایگاه‌های تئوری این بخش اشاره کنیم بی‌گمان درگیر مباحث جامعه‌شناسی و همچنین مقوله‌های شهرسازی خواهیم شد که رد پای آن به صورت پراکنده در سخنان بزرگانی چون فرانسیس تیبالدز، راجرز، داراب دیبا، کامران صفامنش، حسین شیخ زین‌الدین و شایگان چندی دیگر از بزرگان معماری ایران و جهان دیده می‌شود. لذا در جدول شماره ۱، تعدادی از بررسی‌های انجام گرفته شده در مورد معماری ایرانی- اسلامی با هدف هویت مشاهده می‌شود.

جدول ۱: پیشینه پژوهش (منبع: نگارندگان)

| نویسندگان | سال | عنوان | نتیجه‌گیری |
|--|------|---|---|
| امید شاطری وایقان و محمد دبیده | ۱۳۹۸ | رویکرد احیای بافت‌های تاریخی و ارزشمند شهری در حفظ هویت معماری بناها | - هویت یک اثر دارای معنای واحد و فرآیند ارتباط بین معمار و ذهن مخاطب، که نشان‌گر روح مکان - حس مکان و روح زمان است. - حفظ و ارتقاء هویت شهری باز زنده‌سازی بناهای تاریخی - احیاء بناهای تاریخی در روند احیای گسترش هویت و گردشگری. |
| عمادالدین نجفی | ۱۳۹۵ | بررسی مفهوم هویت در معماری | هویت بیش از آنکه معطوف به گذشته باشد به بینش افراد مرتبط است، زمان حال را در برمی‌گیرد و تقاضا برای بهره‌مندی از آن ریشه در نیازهای فردی و جمعی در محیط شهر دارد. |
| حامد مظاهریان، امیرمهدی کی‌نوش و آریا کی‌نوش | ۱۳۹۶ | توسعه درونزای شهری و باززنده‌سازی هویت شهری معماری اسلامی ایران | آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که توسعه درونزای شهری در مقابل روش‌های متداول توسعه شهری در شهرهای تاریخی مناسب‌تر است. |
| سیدمهدی اعتمادی فرد و ماندانا افتخاری | ۱۴۰۱ | هویت و معماری در مجموعه‌ی فرهنگستان‌های جمهوری اسلامی واقع در عباس‌آباد تهران | معماران امروز سعی می‌کنند بن‌بست موجود در معماری را به گردن دیگران بیندازند و بخش عظیمی از آثار همکاران و بعضاً خودشان را از حیطه معماری خارج کنند؛ گویی بناهای موجود را فارغ‌التحصیلان رشته دیگری خلق کرده‌اند. دست آخر آثار آنان به پروژه‌های دولتی و یادمانی پرشکوه یا به ویلاها و آپارتمان‌های گران قیمت بازاری محدود می‌شود. |
| محمود اژدری | ۱۳۹۵ | هویت در معماری؛ میراث فراموش شده معماری اسلامی در معماری و شهرسازی معاصر | با ورود عناصر فرهنگی بیگانه فرهنگ و هویت جامعه ایرانی شامل تغییراتی شده است، بر همین اساس برای شناسایی هویت جامعه سنتی ایران بررسی عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی ایران شیوه مناسبی به نظر می‌آید تا هویت از دست رفته معماری اصیل خودمان را بازگو کنیم. |

تیبالدز در کتابش بر توجه به بناهای تاریخی و راز ماندگاری آنها تأکید کرده و معتقد است که ساخت و سازهای جدید شهری بایستی به گونه‌ای باشند که همانند ابنیه گذشته در یاد و خاطره مردم جاودانه گردند و بر دوری جستن از «سبک بین المللی»، که سبب همانندی شهرها می‌گردند، تأکید می‌کند زیرا این سبک اجازه ظهور فرهنگ را در بناها نمی‌دهد و نتیجه آن ظهور فضاهایی نامتناسب با شرایط اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی هر شهر می‌باشد (امیریاراحمدی، ۱۳۸۲: ۳).

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش با توجه به حیث نوع به اهداف آن کاربردی می‌باشد و از حیث راهبرد تحقیقی با توجه بر مبنای آن از روش توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده و به منظور گردآوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. جهت تحلیل نظریه‌ها از استدلال منطقی برای مستندات متون صورت گردیده که در این روش تلاش

می‌شود مباحث راهبرد کیفی و مفهومی در این پژوهش تسری داده شود. بنابراین با این روش گامی مؤثر در تحقق رسیدن به راه‌حل مناسب، و حرکت جوهری در رسیدن هویت در معماری ایرانی-اسلامی به نتیجه مطلوب بهره گرفت.

تحلیل یافته‌ها

۱- اصول معماری ایرانی و اسلامی

معماری اصولاً یک هنر مقدس است که در حیطة این تقدس وظیفه‌اش پرکردن شکاف میان دو دنیای خاکی و افلاکی به هر دو صورت طبیعی و نمادی است. معماری این وظیفه را به وسیله بناهایی که سر به آسمان می‌سائید، ادا می‌کند. در واقع معماری مقدس، تلاشی پیوسته به سوی بالاست. در ایران هم معماری آثار تاریخی در وهله اول دارای مفهوم و هدف دینی و آئینی است. از طرفی در ایران مثل سایر نقاط دنیا ساخت یک بنا وابسته به عواملی همچون اقلیم، مصالح موجود، فرهنگ منطقه، فرهنگ همسایه، دین و آیین و باور، بانی بنا و ... است. معماری ایرانی همواره معماری بوده است که هویت داشته و مفاهیم و الگوهای خاصی را در دل خود جای داده است از پوچ بودن و بیهودگی دوری می‌گزیند و دارای هویت و اساس است.

جدول ۲: اصول معماری سنتی ایران و تأثیر و تعریف آن (منبع: نگارندگان)

| ردیف | اصول معماری سنتی ایران | تعریف و تأثیر |
|------|------------------------|---|
| ۱ | اصل هویت بخشی | دوری گزیدن از بیهودگی |
| ۲ | اصل قالب و محتوا | جهان‌بینی و مکتب، علم و دانش روز، ترکیبی و خلاقیت |
| ۳ | اصل زیبایی | زیبایی در ذات وجودی عناصر هستی |
| ۴ | اصل حرکت | تجربه‌های فضایی، فضا نیز متکی به حرکت، استفاده از حواس پنج گانه |
| ۵ | اصل پایداری | طبیعت مداری، مصالح بوم آورد |
| ۶ | اصل درون‌گرایی | حجاب در ساخت سازها |
| ۷ | اصل انعطاف پذیری | انعطاف پذیری به طور عام به قابلیت تغییر در اشیا و اجسام گفته می‌شود. در معماری و طراحی محیط و به طور انعطاف‌پذیری فضایی و سامان دهی فضای انسانی برای دستیابی به شرایط و نیازهای و کاربردهای جدید است. |
| ۸ | اصل نیایش | موضوع نیایش در معماری سنتی ایران نیز وجود داشته است توجه به خدا و خداپرستی همواره یکی از اصول اولیه معماری ایرانی خصوصاً بعد از وجود اسلام به ایران بوده است. |
| ۹ | اصل اخلاق‌گرایی | معماری سنتی ایران اخلاقیات و اخلاق‌گرایی را در طراحی و ساخت بناها به عنوان یکی از مهمترین اصول مد نظر داشته است |
| ۱۰ | اصل طراحی جمعی | همواره جنبه‌های اجتماعی زندگی اجتماعی را مد نظر قرار داده است |

۲- عناصر معماری ایرانی و اسلامی

استفاده از الگوها در طراحی منجر به شکل‌گیری کیفیتی آشنا و مأنوس می‌شود که کریستوفر الکساندر آن را کیفیت بدون نام می‌نامد (کریستوفر، ۱۳۸۶). بنابراین معماری معاصر الگوگرا در ایران که زبان معماری را از الگوهای تاریخی و نظام فضایی آن اتخاذ نموده، راهکاری ارزشمند برای خلق پیوند معنایی و کالبدی با تاریخ معماری است. این گونه دربرگیرنده شاخصه‌های ارزشمند و اصیل معماری ایرانی است. پنج اصل مشترک معماری از دیدگاه صاحب نظران ایرانی (درون‌گرایی، مرکزیت فضا، انعکاس، پیوند معماری با طبیعت، محوربندی، سلسله مراتب فضایی و شفافیت و تداوم فضا) می‌توان نام برد. از عناصر معماری سنتی ایران نیز می‌توان به آستانه، ورودی، حیاط، میانسرا-حیاط، گودال باغچه، حوض، آجر، کاشی و ... را معرفی کرد.

¹ Christopher Alexander

۱-۲. مرکزیت: ویژگی موازی با مسأله درون‌گرایی، مرکزیت در فضای معماری است. سیر تحول عناصر پراکنده (کثرت‌ها) به وحدت مرکزی در اغلب فضاهای معماری دنیای اسلام به چشم می‌خورد. حیاط خانه‌ها، مساجد، مدرسه‌ها و کاروانسراها هسته‌های تشکیل دهنده این تفکر و رساندن عناصر عملکردی یا جزئیات میانه و دور به مرکز جمع‌کننده تنوع‌ها و گونه‌گونی‌ها می‌باشند. این فضای درونی مرکزی که گاه می‌تواند چیزی غیر از حیاط مرکزی باشد تنظیم‌کننده تمام فعالیت‌ها بوده و اصل و مرکز فضا را در قسمتی قائل است که نقطه عطف و عروجی استثنایی در آن رخ می‌دهد (داراب، ۱۳۷۸: ۹۷). از الگوهای تجلی دهنده مفهوم مرکزیت، می‌توان به فضای نه قسمتی و فضای چهار قسمتی اشاره کرد (متدین، ۱۳۸۹). در ابنیه چهاربخشی دو محور مهم متقاطع و اکثراً عمود بر هم وجود دارد و محل تقاطع این دو محور، مرکز تمرکز فضا است.

۲-۲. انعکاس: در اغلب فضاهای معماری ایران منظره کلی حاصل از شکل‌گیری عناصر کالبدی، به وجودآورنده کلیتی بصری است که اجزای آن در قالب محوربندی‌های حساب‌شده و منظم، چارچوبی را تشکیل می‌دهند که در آن موضوع شکل و تصویر به کمال می‌رسد. اجزاء ترکیبی در محورهای افقی و عمودی همواره رشد صعودی داشته و به منظور دستیابی به مرکزیت دید (تصویر) خط حرکت عمودی در فضاهای باز به طرف آسمان و نور تنظیم می‌شود که پیوند معماری، نور، آسمان و انعکاس را به عنوان نتیجه بصری نشان می‌دهد. انسان در گردش محوری خود به طرف جهات مختلف این کلیت فضایی منسجم را حس می‌کند که گویای نظام فکری منظمی است که در آن، مرکزیت فضا و زمین در مرکزیت (توحید) آشتی‌دهنده عوامل اتصال زمین و آسمان است. در مرکز این فضاها، سطح آب از لحاظ بصری به عنوان آینه انعکاس‌دهنده، نه فقط بدنه‌های اطراف را معرفی می‌کند، بلکه به علت موقعیت استثنایی خود (مرکز) تمثیل داستان آسمانی منعکس در تلالوهای آب به عنوان تصاویر برگردان حاضر ولی غیرمادی از زندگی انسان‌ها در میل به حقیقتی بالاتر و جاویدان است (لطیفی، ۱۳۹۲).

۳-۲. پیوند معماری با طبیعت: همدلی و احترام به طبیعت ریشه‌های عمیق فرهنگی دارد و همزیستی مسالمت‌آمیز انسان، معماری و طبیعت در معماری سنتی ایران کاملاً مشهود است. اشارات فراوان در کتاب آسمانی درباره گیاه، نور و اجزاء طبیعت و در نهایت تمثیل بهشتی آن موجب شده است که در معماری ایران حضور طبیعت به طور همه جانبه باشد و فضاهای نیمه‌باز - نیمه‌بسته در یک روند سلسله مراتبی به نحوی در کنار یکدیگر قرار گرفته باشند که گویی همیشه انگیزه احترام و حفظ نعمت‌های الهی را پاس می‌دارند که در قلب طبیعت و اجزاء عناصر آن تجلی کرده است. فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و یا احکام دینی همواره در آهنگی موزون با طبیعت حرکت کرده‌اند و همجواری و همدلی انسان با طبیعت موجب شده است که عناصر طبیعت به گونه‌های مختلف در معماری‌های اصیل حضور داشته و انسان را از فواید تصفیه‌کننده آن بهره‌مند گردانند. واقعیت این است که هسته‌های وجودی این معماری، جهانی را در ذره فضای خود می‌گنجانند که اوج آن در مرکزی قرار دارد که جهان مختلف جغرافیایی کماکان مفهوم گشت‌وگذار ابدی را برای ما مجسم می‌کنند (علیخانی، ۱۳۹۲).

۴-۲. تعادل: تعادل یکی از مشتقات و تجلیات مفهوم عدل است که در آثار می‌باشد؛ به عبارت دیگر هر مجموعه هنری به ویژه معماری نمود می‌یابد، کالبد متعادل مجموعه یا کالبدی دیگر است که انتظام آن بر اساس رعایت اصول عدل انجام شده باشد (تقی‌زاده، ۱۳۸۵).

۵-۲. تقارن: اصل تقارن در معماری سنتی ایران یکی از وجوه زیبایی بصری است. در این شیوه معماری، ساخت بنا به صورت متقارن به عنوان شناسانه مطرح بوده و هم در کلیت بناهای زیبایی یکی از ارزش و هم در ساخت جزئیات

آن از این اصل پیروی شده است. در این شیوه با استقرار حیاط با یک هندسه منظم در مرکز بنا و چینش عناصر و اجزای خانه در اطراف آن علاوه بر ایجاد تقارن محوری، مفهوم وحدت بین اجزا نیز به نمایش گذاشته شده است. این موضوع در جزئیات بنا شامل ساخت متقارن گره و نیز انواع تزئینات به کار رفته در معماری ایرانی نیز مد نظر بوده است (پیرنیا، ۱۳۸۳).

۲-۶. **پرهیز از بیهودگی:** معمار ایرانی کاری عبث و بیهوده انجام نمی‌دهد. تا این حد که اگر تزئیناتی هم انجام می‌داد جزئی از سازه بوده نه پوسته‌ای اضافه بر روی آن. این اصل مهم در معماری ایرانی هم پیش از اسلام رعایت شده و هم بعد از آن. به همین روی عناصر تزئینات معماری ایران عناصری همچون گچ، آجر، کاشی و خشت است که بیشتر بخشی از کار بنیادی ساختمان است تا عنصر اضافه تزئیناتی. معمار ایرانی از گره‌سازی بهره می‌برد تا آجر که عنصر سازنده بنای او بوده علاوه بر کار سازه‌ای جنبه تزئیناتی هم داشته باشد (کریمی، ۱۳۹۳).

۲-۷. **مردم‌واری:** مردم‌واری، یکی از اصول اولیه معماری اصیل ایرانی است. در دنیای پرچالش امروز انسان تعلق خود را به مکان‌ها از دست داده است و موضوعی در باب مردم‌واری در معماری امروز ما مهجور و به دست فراموشی سپرده شده است. مردم‌واری در واقع معماری با اجزا و اندازه‌های متناسب بر پایه نیازهای انسانی را شامل می‌شود. به طور کلی عوامل بسیاری چون پیمون و تناسبات، درون‌گرایی، تزئینات، مذهب، الگوگیری از طبیعت پیرامون و فرهنگ بومی و ... در مردم‌وار کردن بنا دخیل هستند؛ راهکارهایی از دل معماری اصیل ایرانی که می‌تواند به سادگی احساس تعلق را نسبت به هر مکانی ایجاد کند (بمانیان، ۱۳۹۳: ۲۹).

۳- هویت

واژه هویت اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است، معنای دوم آن به معنای تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد (محرّمی، ۱۳۸۳). در لغت نامه دهخدا نیز در بیان ریشه‌ای و اصل کلمه هویت لفظ هو آورده شده است. هویت گاه بر وجود خارجی و گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق می‌شود که عبارت است از حقیقت جزییه. هویت پدیده‌ها در نظام‌های مختلف فکری با محک‌هایی مختلفی سنجیده می‌شود، در جامعه‌ایی با معیارهای پایدار ارزشی، همچون جامعه سنتی- مکتبی، محک‌هایی متعین و در جامعه‌ای با معیارهای ارزشی ناپایدار، همچون جامعه مدرن- مدنی محک‌هایی نامتعین مالک ارزیابی هویت قرار می‌گیرند (سجّادی، ۱۳۶۳: ۱). آنچه اثری را در نگاه عموم با - بی‌هویت جلوه می‌دهد، تعلق یا عدم تعلق آن به هویتی جمعی و پایدار است. در این نگاه، اثر با هویت اثری است که هویت آن در راستای هویت جمعی باشد، و اثر بی‌هویت اثری است که هویت آن در تعارض با هویت جمعی باشد، مانند بنای مدرن در یک بافت تاریخی (حجّت، ۱۳۸۴). هویت تلاشی است که برخی از انسان‌ها به منظور تداوم و تمایز حیات مادی و معنوی خود بروز می‌دهند و بر معیارهای گوناگونی از قبیل خانواده، خویشاوندی و مقولات انتزاعی چون دین مشترک، قومیت و دیدگاه‌های سیاسی استوار است. هویت ملی، قومی و دینی براساس همین تعریف شکل می‌گیرد (افروغ، ۱۳۷۷). ابعاد هویت در فضای شهری در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۳: ابعاد هویت در فضای شهری

| منابع | توضیحات | انواع هویت | - |
|-------|---------|------------|---|
|-------|---------|------------|---|

| | | |
|------------------|---|-------------------|
| مدنی پور ۱۳۷۹ | اگر تغییرات روندی طبیعی داشته باشد و فرصت بروز ثابت‌هایی را در مقطع زمانی بدهد، تغییر هویت نیز با آهنگی قابل پیش‌بینی و در قالبی قابل سنجش اتفاق می‌افتد و در مجموع کم تنش بودن جریان تغییر هویت و وجود چارچوب‌هایی برای قضاوت در هر مقطع زمانی هویت را به وضع تثبیت شده‌ای نزدیک می‌کند. به طوری که این پدیده علی‌رغم تغییرات هویتی، همواره هویت بخش به نظر می‌رسد. | تثبیت هویت |
| نوفل، ۱۳۸۸ | بافت کالبدی و ساختار مکانی-فضایی یکی از مهم‌ترین ابعاد هویتی فضاهای شهری را شکل می‌دهد زیرا شکل‌گیری بافت کالبدی فضاهای شهری متأثر از اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه است. از این رو شناخت این بخش از شهرها می‌تواند به شناخت بیشتر سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز بینجامد. واقعیت این است که بافت کالبدی امکان بازشناسی هویت شهری را به صورت بصری فراهم می‌کند و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد. | هویت کالبدی فضایی |
| نوفل، ۱۳۸۸ | این نوع از هویت ارزش‌های زیباشناختی در شهر و کیفیت فضایی و امکان ادراک و موقعیت و جهت‌یابی را شامل می‌شود، اگر فردی در شهر وارد شود و او بعد از دیدن بخش‌های مختلف شهر بتواند به خوبی بخش‌هایی از شهر را توصیف کند و در ذهن او باقی بماند آن فضاهای شهری نمایانگر هویت بصری خواهند بود. | هویت بصری |
| موثقی ۱۳۸۵ | هویت شناختی کیفیت و کمیت اطلاع از فضای شهر و نمادها و نشانه‌های شهری و ارزش‌های تاریخی و فرهنگی را نشان می‌دهد. عناصر هویتی هر کدام در شب و روز مفهوم خاصی را به ما می‌دهد عناصر باید در شب و روز آن چنان خوانایی و وضوح داشته باشد که هویت‌بخشی به شهر را در هر دو زمان حفظ کند. | هویت شناختی |
| قاسمی ۱۳۸۳ | بی‌هویتی به معنی سلب هر گونه امکان تشخیص، مفهومی است که در دنیای واقعی با قانون‌مندی‌های مادی حاکم بر آن، شاید هیچ‌گاه به صورت مطلق نمود نیابد. | بی‌هویتی |
| قاسمی ۱۳۸۳ | برآیند هویت‌های افراد یک جامعه را هویت جمعی گویند. طبیعی است که در یک جامعه‌ی مشخص، هویت همه‌ی آحاد جامعه همسان نیست، بلکه فقط هم پوشانی‌هایی با یکدیگر دارند. | هویت جمعی |

(منبع: نگارندگان)

۴- هویت در معماری

برای درک هویت معماری ایرانی می‌توان با بررسی اصول بناهای سنتی ایران و دریافت حکمت و عقاید حاکم بر آن‌ها عناصر هویت‌ساز معماری سنتی را دریافت. طبق نظر دکتر پیرنیا ویژگی‌های معماری ایران شامل پنج اصل: مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، درونگرایی و خودبسندگی است که در همه بناهای سنتی به نوعی قابل مشاهده است نمودهای هویت را در معماری می‌توان به صورت زیر مرتبط با ابعاد هویت ملی دانست. تکرار الگوهای گذشته می‌تواند نمودی از بُعد میراث فرهنگی ملی، اسطوره‌های ملی و حتی نمادهای ملی باشد، استفاده از نمادها را می‌توان مرتبط با بعد ارزش‌های ملی، بعد اسطوره‌ها و نمادهای ملی و در نهایت بعد دینی و باورهای مذهبی دانست. طراحی طبق اصل معماری بومی در بعد ویژگی‌های جغرافیایی جای دارد. تزئینات در ارتباط با ارزش‌های ملی، باورهای مذهبی و اسطوره‌ها و نمادهای ملی معنا می‌یابد. اما در گروه پنج اصل معماری ایرانی یعنی مردم‌واری آموزه‌های اسلامی، نشانگر این حقیقت است که اسلام عبادت صرف و دوری کردن از مردم را جایز نمی‌داند از طرفی، نگاه معماری به انسان به منزله روح بنا است و کالبد بنا همان جسم است که معمار آن را می‌سازد. پس معمار موظف است کالبد بنا را متناسب با روح آن بیافریند، پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، نیارش و درونگرایی قابل بررسی در ابعاد ارزش‌های ملی، ویژگی‌های جغرافیایی و باورهای دینی هستند.

۴-۱. تأثیر عناصر معماری سنتی در هویت شهر:

معماری ایران طی تاریخ تحت تأثیر تحولات مذهبی و حکومتی درونی و بیرونی و همچنین عوامل تأثیرگذار وابسته بدان بوده و دستخوش تغییرات فراوانی شده است. در برخی از مقاطع تاریخ این تحولات چنان بنیادین بوده که سبک‌ها و چالش‌های فراوانی را در فضای معماری و نیز اجزای آن همچون تزئینات موجب شده است. عناصر معماری ایرانی-اسلامی طی تاریخ بخشی از فرآیند هویت بخشی بوده است. در این میان، یکی از ابزارهای تأثیرگذار بر هویت هنر معماری عناصر و به واسطه شرایط مذهبی در هر دوره و نوع حکومت است. ورود اسلام به ایران به گونه‌ای بود که به تدریج بر تمام جنبه‌های زندگی و فرهنگ ایرانیان و حتی نوع و شرایط حکومت داری تأثیر گذاشت. واضح است که قدرت این مذهب بسیاری از ساختارهای فرهنگی ایرانیان را تغییر داد و تغییر این ساختارها بر محصولات فرهنگی و به خصوص معماری نیز مؤثر واقع شد. به اعتقاد صاحب نظران معماری ایرانی، در دوران کنونی از اصول حاکم بر تزئینات معماری اسلامی و تأثیر آن بر فرهنگ و مشی مردم کمتر سخن به میان آمده است. اگر مبانی و راه‌های تجلی این اصول مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند پاسخگوی نیازهای انسان معاصر نیز باشد. آنگاه می‌توان از معماری اسلامی-ایرانی معاصر با مشخصات هویتی و فرهنگی‌اش سخن گفت (نقی‌زاده، ۱۳۸۱).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

معماری ایرانی و اسلامی یکی از تأثیرگذارترین سبک‌های معماری در جهان است. معماران ایرانی با به کار گرفتن هوش و ذکاوت خود و در نهایت هنرمندی، با توجه به شرایط جغرافیایی، آب و هوایی و فرهنگی هر منطقه، این عناصر معماری را توسعه می‌دادند و در جهت برقراری آسایش مردم می‌کوشیدند. بدین ترتیب بر اساس عناصر معماری سنتی ایرانی که در مبانی نظری پژوهش بیان شد، خلاصه و پیشنهاد مؤلفه‌های ارائه شده در انتخاب، طراحی مناسب و مطلوب شهر با هدف هویت، در نمودار شماره ۱، مشاهده می‌شود.



شکل ۱: عناصر هویت ساز در فضای شهری، (منبع: نگارندگان)

میراث معماری ایرانی اسلامی ثروتی، تمدنی به‌شمار می‌رود که با توجه به شرایط عصر و تحولات تمدنی ویژگی‌های خاص خود را بر اساس نگاه معنوی خود حفظ کرده است. از آنجایی که هنر معماری نشانگر هویت فرهنگ و تمدنی است، باید اصالت معماری ایرانی اسلامی را در دین اسلام جست .

این مقاله با بررسی معماری ایرانی و اسلامی در پی چپستی هویت به عنوان ویژگی‌های پویا، ذاتی و تدریجی معماری بود. وجه تمایزی که معماری‌های مختلف را فارغ از ویژگی‌های استفاده‌کنندگان، از یکدیگر جدا می‌کند. هویت در معماری عرفانی آن ما را به ذات مقدس خداوند می‌رساند. جایی که در آن هویت انسان و فعالیت‌های او، مولد فیض‌های الهی تلقی می‌شود. پس برای درک هویت معماری ایرانی می‌توان با بررسی اصول بناهای سنتی ایران و دریافت حکمت و عقاید حاکم بر آن‌ها عناصر هویت‌ساز معماری سنتی را دریافت.

طبق نظر دکتر پیرنیا ویژگی‌های معماری ایران شامل پنج اصل: مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، درونگرایی و خودبسندگی است که در همه بناهای سنتی به نوعی قابل مشاهده است. تکرار الگوهای گذشته می‌تواند نمودی از بُعد میراث فرهنگی ملی، اسطوره‌های ملی و حتی نمادهای ملی باشد، استفاده از نمادها را می‌توان مرتبط با بعد ارزش‌های ملی، بعد اسطوره‌ها و نمادهای ملی و در نهایت بعد دینی و باورهای مذهبی دانست. طراحی طبق اصل معماری بومی در بعد ویژگی‌های جغرافیایی جای دارد. تزئینات در ارتباط با ارزش‌های ملی، باورهای مذهبی و اسطوره‌ها و نمادهای ملی معنا می‌یابد. در نتیجه با توجه به یافته‌ها، اصول و عناصر معماری ایرانی و اسلامی طی تاریخ بخشی از فرآیند هویت بخشی بوده است؛ همچنین یکی از ابزارهای تأثیرگذار بر هویت هنر معماری عناصر و به واسطه شرایط مذهبی در هر دوره و نوع حکومت است. اگر مبانی و راه‌های تجلی این اصول مورد توجه معماران قرار گیرد، می‌تواند پاسخگوی نیازهای انسان معاصر نیز باشد. آنگاه می‌توان از معماری اسلامی و ایرانی معاصر با مشخصات هویتی و فرهنگی‌اش سخن گفت.

منابع و مأخذ

- ایل، کریس (۱۳۸۷)، معماری و هویت، ترجمه دکتر فرح حبیب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- افروغ، عماد (۱۳۷۷)، فضا و نابرابری‌های اجتماعی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶)، معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن، دانشگاه شهید بهشتی.
- امیر یار احمدی، محمود (۱۳۸۲)، به سوی شهرسازی انسانگرا، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۳)، ظرفیت‌سنجی به‌کارگیری پوسته‌های دوجداره در طراحی معماری اقلیم گرم و خشک ایران به منظور کاهش مصرف انرژی (نمونه موردی شهر یزد)، ۱۹ (۳)، ۲۹-۳۸.
- بنتلی، ای‌ین (۱۳۸۵)، محیط‌های پاسخده: کتابی راهنما برای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۲)، مکان و بی مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۴، ۴۰-۵۰.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۳)، سبک شناسی معماری ایران، انتشارات سروش دانش، تهران.
- تقی زاده، کتایون (۱۳۸۵)، آموزه‌هایی از سازه‌های طبیعی، درس‌هایی برای معماران، هنرهای زیبا، دوره ۲۸، شماره ۲۸ (۱۴۰۷)، ۷۵-۸۴.
- حجت، عیسی (۱۳۸۴)، هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز: تعاملی در رابطه با هویت و معماری، فصلنامه هنرهای زیبا شماره ۲۴.
- دیبا، داراب (۱۳۷۸)، الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران. معماری و فرهنگ ۱ (۱)، ۹۷-۱۱۱.
- سجادی، س.ج (۱۳۶۳)، فرهنگ معماری اسلامی، (جلد چهارم)، تهران: انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان.

- علیخانی، مینو (۱۳۹۲)، از گره‌های سنتی تا پاتوق‌های شهری امروزی، لزوم شهر شهروندگرا، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، اصفهان.
- قاسمی، مروارید (۱۳۸۳)، اهل کجا هستیم، هویت بخشی به بافت های مسکونی چاپ اول تهران انتشارات روزنه.
- کریمی، علی (۱۳۹۳)، حقیقت خانه رهیافتی به شناخت قدر، ده مقاله در معماری، موسسه و منزلت شایسته خانه، رواق نظر تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن، تهران.
- گروت، لیندا و دیوید، وانگ (۱۳۸۸)، روش های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی فر، دانشگاه تهران، تهران.
- لطیفی، غلامرضا؛ صفری چابک، ندا. (۱۳۹۲). بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی- اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی. فصلنامه مطالعات شهری، ۲(۸)، ۳-۱۲.
- متدین، حشمت الله (۱۳۸۹)، علل پیدایش باغ‌های تاریخی ایران، باغ نظر، ۷(۱۵)، ۵۱-۶۲.
- محرمی، توحید (۱۳۸۳)، هویت در ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- مدنی پور، علی (۱۳۷۹)، طراحی فضاهای شهری، نگرشی بر فرایند اجتماع و مکان، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- موثقی، رامین و ایرملو، سحر (۱۳۸۳)، عناصر هویت فرهنگی در شهر، مرجع مهندسی عمران، اولین همایش بین المللی شهر برتر، طرح برتر، همدان، سازمان عمران و شهرداری همدان.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۱)، تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی، هنرهای زیبا، ۱۱، ۶۲-۷۶.
- نوفل، سید علیرضا، کلبادی، پارسین و پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸)، بررسی و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت شهری (نمونه موردی: محله جلفا در شهر اصفهان)، نشریه آرمان شهر، شماره ۸، ۵۷-۶۹.